

آینده معاهده کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل

پاتریک سیل خبرنگار کهنه کار انگلیسی در مقاله‌ای آینده معاهده کمپ دیوید میان مصر و رژیم صهیونیستی را در پی تحولات اخیر منطقه بررسی کرد.



پاتریک سیل خبرنگار کهنه کار انگلیسی در مقاله‌ای آینده معاهده کمپ دیوید میان مصر و رژیم صهیونیستی را در پی تحولات اخیر منطقه بررسی کرد.

به گزارش فارس، پایگاه خبری فلسطین الیوم با انتشار مقاله‌ای از پاتریک سل نویسنده و خبرنگار انگلیسی نوشت که اسرائیل در پی انقلاب مصر، خونسردی خود را از دست داده است، زیرا معاهده صلح سال 1979 که مصر را به یک کشور بی طرف تبدیل کرده و از این طریق، در طول سه دهه گذشته، هیمنه نظامی اسرائیل بر منطقه را نهادینه کرده بود، در معرض خطر قرار دارد. با این معاهده، مصر به عنوان قویترین و پرجمعیت‌ترین کشور عربی از صفوف اعراب جدا شد و امکان تشکیل یک ائتلاف عربی که بتواند اسرائیل را کنترل کند و از آزادی اقدام این کشور بکاهد، از میان رفت. موشه دایان وزیر خارجه وقت اسرائیل معتقد بود که اگر یکی از چرخ‌های اتومبیل [ملت‌های عربی] بیرون آورده شود، دیگر قادر به حرکت نخواهد بود.

* مصیبتی به نام کمپ دیوید

بر اساس این گزارش تحلیلگران غربی این معاهده را "زیربنای ثبات منطقه"، "تکیه‌گاه دیپلماسی خاورمیانه" و "محور دیپلماسی آمریکا در جهان عرب و اسلام" نامیدند. بی‌تردید اسرائیلی‌ها و هم‌پیمانان آمریکایی آنها نیز همین دیدگاه را درباره معاهده مذکور داشتند اما این معاهده برای بیشتر اعراب، فاجعه‌آمیز بود و به جای برقراری ثبات، آنان را به زیر سلطه اسرائیل برد. این معاهده به جای اینکه صلح را محقق کند، آن را از میان برد، چرا که اسرائیل دیگر سازش با سوری‌ها و فلسطینی‌ها را ضروری تلقی نمی‌کرد.

به نوشته فلسطین‌الیوم، این معاهده در عوض راه را برای اسرائیل باز کرد تا در لبنان و سرزمین‌های فلسطینی مرتکب اشغالگری و قتل عام مردم شود، تأسیسات هسته‌ای عراق و سوریه را مورد حمله قرار دهد، آشکارا ایران را تهدید کند، 44 سال کرانه باختری را در اشغال خود نگاه دارد و نوار غزه را به محاصره وحشیانه خود درآورد. از سوی دیگر شهرک‌نشینان متعصب یهود و ملی گرایان مذهبی نیز با استفاده از همین معاهده، در مسیر اجرای رؤیای اسرائیل بزرگ گام برداشتند.

به نوشته پاتریک سیل، رهبران عرب نیز با سوء استفاده از دهن‌کجی‌های اسرائیل و سیاست‌های خصمانه و توسعه‌طلبانه این رژیم کوشیدند تا از طریق تحمیل اقدامات شدید امنیتی علیه ملت‌های تحت امرشان، ضرورت محافظت از تسلط همه جانبه خود بر این ملت‌ها را توجیه کنند. معاهده صلح میان مصر و اسرائیل ناگزیر بی‌ثباتی خطرناک و خشم ملت‌ها را که تاکنون ادامه دارد - بر خاورمیانه تحمیل کرد و بعد از مدتی موجب افزایش شکایتهای مردمی و انفجار خشم آنان شد.

اسرائیل در پی این معاهده به خود جرأت داد تا در سال 1981 نیروگاه هسته‌ای "اوریزاک" عراق را نابود کند و در سال بعد لبنان را به اشغال خود درآورد تا از این طریق، سازمان آزادیبخش فلسطین را از میان بردارد، تأثیرگذاری سوریه را به حداقل برساند و لبنان را به کرنش مجدد در برابر خود وادار کند. اشغال و محاصره بیروت در سال 1982 به کشته شدن حدود هفده هزار لبنانی و فلسطینی منجر شد. اسرائیل در همان روزها، دست به اقدامی غیر اخلاقی زد و با ایجاد چتر حمایتی برای شبه نظامیان مسیحی همپیمان خود، دست آنان را برای قتل عام غیرنظامیان بی‌دفاع فلسطینی در دو اردوگاه آوارگان فلسطینی واقع در صبرا و شتیلا باز گذاشت. اسرائیل هیجده سال تمام به اشغال جنوب لبنان ادامه داد تا آنکه حزب‌الله در سال 2000 سربازان این رژیم را از خاک لبنان بیرون راند.

* موضع ضعیف مصر در معاهده کمپ دیوید

معاهده صلح مصر و اسرائیل، تأثیر فراوانی بر روی واژه غربی "صلح و ثبات خاورمیانه" بر جای گذاشت. ریشه‌های معاهده صلح مذکور به دیپلماسی "هنری کسینجر" بر می‌گردد که در زمان جنگ اکتبر 1973 مشاور امنیت ملی نیکسون رئیس جمهور آمریکا بود. کسینجر که بیش از هر چیز در پی حمایت از اسرائیل و کوچک شمردن مطالبات فلسطین و سوریه بود، تلاش کرد "انور سادات" رئیس‌جمهور وقت مصر را به عقب‌نشینی از اتحاد با سوریه و شوروی وادارد و او را به سوی برقراری روابط نزدیک با اسرائیل و ایالات متحده سوق دهد.

هنگامی که در سال 1975 قرارداد ترک مخاصمه در سینا به امضا رسید، کسینجر مصر را از میدان نبرد بیرون راند و این قرارداد مهم، مستقیماً به عقد موافقتنامه کمپ دیوید در سال 1978 و معاهده صلح در سال 1979 منجر شد. به طور قطع می‌توان گفت که

سادات، خواهان برقراري صلح همه‌جانبه با حضور فلسطين و سوريه بود، اما نخست‌وزير اسرائيل مناخيم پگين به عنوان يك صهيونيست افراطي كه نابودي ملت فلسطيني و منع اعراب از بازپس گيري كرانه باخترى را مي‌خواست، زيركتر از سادات بود. بگين با هدف تداوم اشغال كرانه باخترى، ایده بازگرداندن سينا به مصر را پذيرفت. "جيمي كارتر" كه نيروهاي طرفدار اسرائيل در آمريكا او را ضعيف كرده بودند، دوست نداشت تلاشهايش در جهت تحقق صلح در چارچوب يك سري اهداف اوليه و چند جانبه با شكست مواجه شود و يك صلح دوجانبه مجزا بين مصر و اسرائيل شكل گيرد، اما اين اتفاق افتاد و واشنگتن بالاخره بهانه اسرائيل مبني بر "دفع خطر وقوع يك جنگ منطقه‌اي به واسطه معاهده صلح با مصر و تأمين منافع آمريكا از اين طريق" را پذيرفت. ارتش مصر پس از انعقاد معاهده صلح، از كمك سالانه آمريكا به ارزش يك ميليارد و سيصد ميليون دلار برخوردار شد، البته اين كمك مالي نه به منظور تجهيز ارتش مصر براي ورود به جنگ، بلكه براي محافظت از صلح با اسرائيل، در اختيار مصر قرار مي‌گرفت.

*احتمال تعليق معاهده كمپ‌ديويد

به نظر مي‌رسد كه استراتژي واشنگتن بر پايه دفاع از اين معاهده صلح استوار است، دولت اوباما به مسئولين نظامي مصر گفته است كه بايد پيمان صلح را پاس بدارند و شوراي عالي نيروهاي مسلح مصر نيز اعلام كرده است كه مصر به همه معاهدات موجود، پاييند خواهد ماند. بنابراين معاهده صلح لغو نخواهد شد و هيچكس در مصر و جهان عرب، دست زدن به تحركات نظامي را نخواهد پذيرفت، به ويژه آنكه هيچ كشوري در حال حاضر آماده جنگ نيست، اما ممكن است معاهده مذكور به حال تعليق درآيد.

*روابط مصر و اسرائيل ديگر به حالت قبل باز نخواهد گشت

به نوشته اين خبرنگار كهنه‌كار روزنامه اينديپندنت هنوز از ماهيت دولت آينده مصر چيزي نمي‌دانيم، اما مشخص است كه اين دولت در وهله اول، حل و فصل مشكلات مژمن داخلي را سرلوحه كار خود قرار خواهد داد، اما اگر پيش‌بيني‌ها درست باشد و دولتي سر كار بيايد كه غير نظاميان مطرح شده در جريان اعتراضات اخير را در خود جاي دهد، به احتمال زياد اصلاحاتي در عرصه سياست خارجي مصر روي خواهد داد. غالب پيش‌بيني‌ها حاكي از اين است كه دولت آينده مصر، سياست‌هاي حسني مبارك را در پيش نخواهد گرفت، چرا كه اين سياستها بر اساس همكاري با اسرائيل براي تداوم محاصره غزه استوار بود و افكار عمومي را رنج مي‌داد.

پاتريك سل مي‌افزايد: دولت آينده مصر به احتمال زياد، راهبرد مبارك در دشمني با جمهوري اسلامي ايران، حماس و حزب‌الله را ادامه نخواهد داد. صرف نظر از لغو يا عدم لغو معاهده صلح، مشخص است كه روابط مستحكم مصر و اسرائيل كه در زمان مبارك شاهد آن بوديم، ديگر صميميت گذشته را نخواهد داشت.

*انقلاب مصر و خطرات فراروي اسرائيل

انقلاب مصر نشان مي‌دهد كه محيط استراتژيك اسرائيل دچار تغيير شده است، هنگامي كه شاه ايران در سال 1979 سرنگون شد، اسرائيل، ايران را از دست داد. در مرحله بعد محور تهران دمشق حزب‌الله با هدف به چالش كشيدن سلطه منطقه‌اي اسرائيل، شكل گرفت. اسرائيل در سالهاي اخير تركيه را كه همپيمان بسيار مؤثر اين كشور محسوب مي‌شد، از دست داد و هم اكنون نيز با خطر از دست دادن مصر روبروست. به نظر مي‌رسد كه خطرات موجود، اسرائيل را در معرض انزواي منطقه‌اي قرار خواهد داد. همچنين اسرائيل با تداوم اشغالگري در سرزمينهاي اشغالي فلسطين و ممانعت از مذاكرات جدّي با فلسطيني‌ها و سوري‌ها بر اساس اصل 171#&، تعدادي از طرفداران سابق خود در اروپا و آمريكا را نيز از دست داده است و اسرائيل خوب مي‌داند كه با خطر سلب مشروعيت دست به گريبان است.

*اسرائيل بايد راهبرد امنيتي خود را تغيير دهد

واكنش اسرائيل به انقلاب مصر چگونه خواهد بود؟ آيا نيروهاي خود را به سمت مرز با مصر حركت داده و توانايي‌هاي دفاعي خود را تقويت خواهد كرد؟ آيا نااميدانه خواهد كوشيد در ميان اعضاي شوراي عالي نيروهاي مسلح مصر كه موقتاً اداره كشور را در دست دارد، همپيماناني براي خود بيايد و همزمان از آمريكا نيز درخواست كمك كند؟ يا اينكه سرانجام دست به تلاشي جدّي خواهد زد تا منازعات خود با سوريه و لبنان بر سر سرزمينهاي اشغالي را حل و فصل كرده و تشكيل كشور مستقل فلسطيني به پايتختي قدس شرقي را به رسميت بشناسد؟

به نظر مي‌رسد كه اسرائيل به شدت نيازمنند بازنگري در راهبرد امنيتي خود است و بايد اين درس روشن را از حوادث مهم مصر بياموزد. راهكار امنيتي اسرائيل كه از زمان تشكيل اين رژيم پابرجاست و اساس آن را تسلط نظامي بر منطقه تشكيل مي‌دهد ديگر قابل اجرا نيست و ناگزير به مقاومت و خشونت شديد و روزافزون منجر خواهد شد. اسرائيل نيازمنند انقلاب در طرز نگرش خود است اما هنوز هيچ نشانه‌اي مبني بر امكان وقوع اين انقلاب وجود ندارد.

